

تحلیل تطبیقی و انتقادی مطالعات کارآفرینی زنان: گونه‌شناسی و ارائه دلالت‌های سیاستی

سمانه منصوری*، عادل پیغامی**، عاصمه قاسمی***

چکیده

مشارکت و نقش‌آفرینی زنان در اجتماع امری بدیهی و ضروری است و بحث از حضور بدون تداخل و تراحم با اصول، ارزش‌ها و سایر نقش‌ها و ابعاد جنسیتی آن‌ها دغدغه همیشگی متفکران و سیاست‌گذاران در جوامع مختلف بوده است. کارآفرینی نیز از این امر مستثنا نبوده و طی سالیان گذشته تلاش‌های گسترده‌ای برای حضور بیشتر و موفق‌تر زنان در عرصه کارآفرینی عملیاتی شده است، هرچند به اذعان همه کانون‌های تفکر، هنوز تا نقطه مطلوب فاصله زیادی وجود دارد. برخی از اندیشمندان حوزه زنان، یکی از علت‌های نداشتن ورود موفق زنان در عرصه کارآفرینی و سپس نقش‌آفرینی مؤثر در توسعه جوامع را نارسایی عرصه‌ی اندیشه و نظریه‌پردازی و نقیصه‌ها یا خطاهای موجود در مطالعات و ادبیات نظری تولیدشده در این زمینه می‌دانند و رویکردی انتقادی به ادبیات نظری ارائه‌شده در این زمینه دارند. بر این اساس پژوهش حاضر در نظر دارد به مطالعه‌ی چالش‌ها و نارسایی‌های کلیدی حوزه مطالعات کارآفرینی زنان بپردازد و با بررسی ادبیات نظری موجود و تحلیل تطبیقی و انتقادی آن‌ها دلالت‌های سیاستی برای سیاست‌گذاران، نظریه‌پردازان و تصمیم‌سازان حوزه کارآفرینی ارائه دهد. در راستای رسیدن به اهداف این پژوهش از روش تحلیل تطبیقی - انتقادی استفاده شده است. یافته‌های پژوهش نشان داد، ادبیات موجود از نارسایی در شیوه‌های نظریه‌پردازی؛ مواجهه با مشکل تضاد نقش‌ها برای زنان؛ مسئله رفع نابرابری دسترسی به امکانات و فرصت‌ها و نقیصه بسترسازی اقتصادی و اجتماعی برای کارآفرینی زنان برخوردار است.

واژگان کلیدی

کارآفرینی زنان، جنسیت، توسعه، تحلیل تطبیقی - انتقادی، گونه‌شناسی، دلالت‌های سیاستی.

* دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران.
(s86.mansuri@gmail.com).

** دانشیار و عضو هیئت‌علمی دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران (نویسنده‌ی مسئول).
(paighmi@isu.ac.ir).

*** استادیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.
(ag.sociology@gmail.com).

۱- مقدمه و بیان مسئله

کارآفرینی^۱ مقوله‌ای چندوجهی و میان‌رشته‌ای است که رشته‌های مختلفی همچون اقتصاد، روان‌شناسی، مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی و مدیریت در تکامل آن نقش اساسی داشته‌اند (مقیمی، ۱۳۸۱: ۲). پیشینه‌ی مفهوم کارآفرینی در دانش امروزی به دو‌یست سال پیش برمی‌گردد. اولین کسی که این مسئله را مطرح کرد فردی به نام ریچارد کانتیلیون^۲ (۱۷۳۰) بود و نظریه‌پردازان زیادی پس از وی به فراخور زمان و مکان و مقتضیات به توسعه مفهومی کارآفرینی پرداخته‌اند که در رأس همه آن‌ها از جوزف شومپیتر نام برده می‌شود. شاید اصطلاح کارآفرین معادل خوبی برای کلمه که مهم‌ترین پیشران فرصت‌آفرینی و ارزش‌آفرینی چند سده اخیر و موتور اصلی پیشرفت بوده‌اند نباشد. با این حال و به اصطلاح رایج، کارآفرینان به‌ویژه در فضای نوین اقتصادها، مهم‌ترین عامل برای توسعه اقتصاد در هر کشوری بوده و هستند. آن‌ها با نوآوری و ریسک‌پذیری، فرصت‌های جدید کسب‌وکار و دنیایی جدید از زندگی را خلق می‌کنند و به پیشرفت و رونق همه عرصه‌ها از جمله اقتصاد کمک می‌کنند. همچنین کارآفرینان را باید گره‌گشایی مشکلات و بازکننده فرصت‌های خروج از تنگنا دانست. به‌ویژه در شرایط بحران که آشفتگی‌های مختلف جهانی وجود داشته و افراد زیادی شغل خود را از دست داده‌اند. در چنین شرایطی، کارآفرینی، درمانی برای بیکاری و مسائل رشد تلقی می‌شود (Ibrahim & Galt, 2011: 609). همچنین محققان بر این باورند، کارآفرینی باید به‌عنوان وسیله‌ای برای بهبود کیفیت زندگی فردی، خانوادگی، اجتماعی و حافظ منافع اقتصادی-زیستی در نظر گرفته شود (فلاح و پاشایی‌نیا، ۱۳۹۹: ۱۰۷ به نقل از Asha, 2018). اما مانند هر پدیده انسانی دیگر، مقوله جنسیت و مسئله ناهمگنی در بحث کارآفرینی نیز مطرح است. فرایند کارآفرینی زنان را می‌توان از چشم‌اندازهای متفاوتی بررسی کرد؛ این پدیده از عواملی چون ایستارها و نگرش‌ها در سطح خرد و ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در سطح کلان اثرپذیر است (باقری و همکاران، ۱۳۹۹: ۸۴).

کارآفرینی زنان و زنان کارآفرین به دو دلیل به مطالعه و تحقیقات مستقل نیاز دارد. اول این‌که کارآفرینی زنان در طی دهه‌های گذشته به نحوی متمایز به‌عنوان یک منبع مهم در رشد اقتصادی شناخته شده است. مسئله جنسیت بر مقولاتی چون فقر، توزیع درآمد و ثروت، تخصیص منابع و خانواده سایه انداخته و در این میان زنان کارآفرین علاوه بر اینکه دوشادوش کارآفرینان مرد

1. Entrepreneurship
2. Richard Cantillon

کسب و کارها و مشاغل جدیدی را برای خود و دیگران ایجاد می‌کنند، درعین حال به دلیل متفاوت بودن روحیه و توانایی‌ها و داشتن نقشه‌ای متمایز اجتماعی و انسانی، راه‌حل‌های مختلفی را نیز برای مدیریت، سازمان‌دهی و حل مشکلات و همچنین بهره‌برداری از فرصت‌های کارآفرینی به جامعه ارائه می‌دهند. با این حال، آن‌ها هنوز نماینده اقلیتی از جامعه کارآفرینان محسوب می‌شوند. در واقع تحقیقات، سیاست‌ها و برنامه‌های حوزه کارآفرینی عمدتاً بر پیش‌فرض «کارآفرین مرد» مبتنی‌اند و تمایل «به مردانه شدن» دارند در نتیجه به جرأت می‌توان گفت غالباً نیازها، زمینه‌ها، فرصت‌ها و حمایت‌های لازم برای نقش‌آفرینی زنان کارآفرین و کارآفرینان زن در نظر گرفته نمی‌شوند. به بیان دیگر، فرصت مساوی بین زن و مرد از دیدگاه کارآفرینی هنوز یک واقعیت نیست (OECD, 2004: 5). به این معنی که با توجه به نقش و جایگاه ویژه‌ای که زنان در توسعه اقتصادی و اجتماعی جوامع عهده‌دار هستند اما به دلیل نبود برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌های راهبردی و دقیق به این مهم دست نیافته‌اند. بدیهی است این نقیصه قبل از عینیت از حوزه ذهن و عرصه نرم‌افزاری نشئت می‌گیرد و نارسایی و خلأهای موجود در تئوری‌ها و نظریات ارائه‌شده در زمینه‌ی کارآفرینی زنان، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عرصه‌های اثرگذاری زنان در توسعه، می‌تواند به‌عنوان یک عامل اساسی در پیدایش این آسیب معرفی شوند. بر همین مبنا مطالعه تطبیقی و بررسی انتقادی ادبیات نظری تولیدشده در زمینه‌ی کارآفرینی زنان امری مهم و ضروری خواهد بود. مسئله این است که آیا تنوع و کیفیت مطالعات و ادبیات ناظر بر کارآفرینی زنان، به نحوی هست که سیاست‌ها و اقدامات این عرصه را پشتیبانی مفهومی و نظری کند و یا خود، عامل بروز مشکلات است؟ علاوه بر این، آیا مطالعه و پژوهش در زمینه‌ی موانع ایجادشده برای زنان کارآفرین و مطالعاتی که با رویکردهای انتقادی در زمینه‌ی ادبیات کارآفرینی زنان به انجام رسیده‌اند، می‌تواند در شناسایی مؤثر آسیب‌ها و موانع جدی مطرح‌شده در این زمینه و در نهایت ارائه سیاست‌های راهبردی مناسب جهت ارائه مسیر صحیح نقش‌آفرینی زنان در توسعه موردبررسی قرار گیرد. بر همین مبنا سؤالات اصلی در این پژوهش عبارت‌اند از: مهم‌ترین تئوری‌ها و رویکردهای نظری مطرح‌شده در زمینه‌ی کارآفرینی زنان کدام است؟ آیا دسته‌بندی و طبقه‌بندی مشخصی از این نظریات وجود دارد؟ مهم‌ترین رویکردهای انتقادی مطرح‌شده در این زمینه کدام است؟ آیا با بررسی تطبیقی ادبیات نظری و انتقادی مطرح‌شده در زمینه‌ی کارآفرینی زنان می‌توان به چالش‌ها و نارسایی‌های کلیدی این حوزه دست‌یافت و برای برون‌رفت از مسائل و مشکلات ایجادشده

نقش آفرینی مؤثر و کارآفرینی زنان در توسعه اقتصادی و اجتماعی، راهبردهای سیاستی مناسب ارائه کرد؟ بدیهی است پاسخ به این سؤالات نقش مهمی در مدیریت دانش، سیاست‌های پژوهشی و اعمال ملاحظات مربوط به بومی شدن این مطالعات در کارآفرینی زنان ایرانی اسلامی و نیل به الگویی ایرانی اسلامی از کارآفرینی زنان خواهد داشت.

۲- پیشینه‌ی پژوهش

برای این پژوهش، مطالعه و بررسی کتب، مقالات علمی و پایان‌نامه‌های دانشگاهی ملی و بین‌المللی که با محوریت دسته‌بندی و گونه‌شناسی ادبیات نظری کارآفرینی زنان ارائه شده باشد، مورد توجه قرار گرفت. در ادبیات لاتین ماهیواری و سودانی پژوهشی با عنوان «مروری بر ادبیات کارآفرینی زنان» (Maheshwari, PriyaSodani, 2015)، یاداو و یونی پژوهشی با عنوان «کارآفرینی زنان: بررسی تحقیقات و مسیرهای آینده» (Yadav & Unni, 2016) انجام داده‌اند؛ اما در زبان فارسی تحقیق یا پژوهشی که با مرور جامع ادبیات کارآفرینی زنان و ارائه یک دسته‌بندی و گونه‌شناسی به این امر مبادرت ورزیده باشد، یافت نگردید. باین حال مقاله حاضر از حیث تحلیل تطبیقی و انتقادی، متمایز از مشابه‌های خارجی است علاوه بر آن در گام بعدی، پژوهش‌هایی که ذیل دو حوزه موضوعی ارائه نظریات یا مرور یک یا چند نظریه کارآفرینی زنان و پژوهش‌هایی که در رابطه با موانع کارآفرینی زنان و یا ارائه انتقادات اساسی به ادبیات نظری کارآفرینی زنان به نتایج قابل توجهی دست‌یافته‌اند، مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته است. این پژوهش‌ها در دو بخش اساس قابل دسته‌بندی است.

۲-۱- پژوهش‌هایی با موضوع کارآفرینی زنان در ادبیات متعارف

اریتز و همکاران در مقاله‌ای با عنوان «مشاغل زنانه: مروری بر پژوهش‌ها» خلاصه‌ای از مطالعات و برخی رویکردهای نظری مربوط به موضوع کارآفرینی زنان را ارائه می‌دهند (Ortiz & et al, 2008). کنت و همکاران در کتاب «دایره‌المعارف کارآفرینی» که برای اولین بار در سال ۱۹۸۲ منتشر شد، تحقیقات کارآفرینی را از دیدگاه‌های جامعه‌شناختی و روان‌شناختی، توسعه اقتصادی، سرمایه‌گذاری و آموزش، بررسی می‌کند (Kent & et al, 2009). وسپر در کتاب «کارآفرینان دانشگاهی؛ چگونه می‌توان تشخیص داد که این رشته به کجا می‌رود؟» که در سال ۱۹۸۸ منتشر شده است، با رویکردی انتقادی به موضوع کارآفرینی زنان ورود می‌کند. وی معتقد است تا نقطه مطلوب این رشته فاصله زیادی وجود دارد (Vesper, 2009). پرگلان و همکاران در مقاله‌ای با عنوان «کارآفرینی: آغاز و پایان» یک تحقیق جامع در مورد ریشه‌های نظری با رویکرد جنسیتی بر اساس داده‌های جامع

نروژی انجام دادند (Berglann & et al, 2011). لی زو و همکاران در مقاله‌ای با عنوان «یک مطالعه تطبیقی در مورد زنان کارآفرین در اقتصادهای چین و ویتنام» به بررسی مبانی نظری، انگیزه‌ها، عوامل موفقیت و مشکلات مربوط به کارآفرینی زنان می‌پردازند (Lei Zhu & et al, 2018).

۲-۲- پژوهش‌هایی با رویکردهای انتقادی و عنایت به موانع کارآفرینی زنان

کوماری آمریتا و همکاران در مقاله‌ای تحت عنوان «تجزیه و تحلیل موانع موجود در کارآفرینی زنان» به تحلیل موانع موجود در حوزه کارآفرینی پرداخته‌اند (Kumari & et al, 2018). راگوانشی نیز در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل موانع کارآفرینی زنان» تحلیل مناسبی از ادبیات موجود ارائه داده است. او با مطالعه‌ی ۱۴ مقاله مرتبط با موانع کارآفرینی زنان، به تحلیل مهم‌ترین موانع رایج کارآفرینی زنان در جهان پرداخته است (Raghuvanshi, 2017). همچنین می‌توان از مقاله «کارآفرینی زنان در مالزی: ارزیابی تجربی چالش‌های صاحبان مشاغل خرد و کوچک در کوچینگ-ساراواک» (Loveline, & et al, 2014) و مقاله «عملکرد مؤثر بر شرکت‌های کوچک متعلق به زنان در کیوو» (Maina, 2014) نام برد. در پژوهش‌های فارسی نیز می‌توان از پژوهشی که نوروزی و سریع‌القلم تحت عنوان «کارآفرین دانشگاهی: شناسایی موانع کارآفرینی دانشگاهی و راهکارهای تقویت آن» و گلرد تحت عنوان «عوامل مؤثر بر کارآفرینی در زنان ایرانی» انجام داده‌اند و تا حدی متضمن رویکردهای بومی هستند نام برد (نوروزی و سریع‌القلم، ۱۳۸۸؛ گلرد، ۱۳۸۷).

۳- کارآفرینی زنان در ادبیات نظری مکاتب توسعه

قبل از ورود به تحلیل مقایسه‌ای و انتقادی ادبیات موجود در باب کارآفرینی زنان، ابتدا به بیان تعاریف به‌عمل آمده از کارآفرینی زنان می‌پردازیم. بدیهی است در ادبیات فارغ از رویکردهای جنسیتی، با فرض همگنی و جنسیت مدار نبودن کارآفرینی چه در مقام مفهوم و چه در مقام عمل، سؤال از چیستی و معناشناسی آن جایگاهی ندارد. حتی پاره‌ای از نظریه پردازان، کارآفرینی زن را صرفاً با کنشگری و حضور فرد زن تعبیر و تعریف می‌کنند. برخی از این قبیل تعاریف را در جدول شماره یک ملاحظه می‌فرمایید.

جدول ۱: تعاریف ارائه شده از مفهوم کارآفرینی زنان

پژوهشگر / سال نشر	تعریف کارآفرینی
Bruch (1990)	کارآفرینی زنان را شامل کلیه فعالیت‌های زنان در زمینه‌ی خوداشتغالی مشارکتی، خوداشتغالی مستقل، کارفرمایی و کلیه کسب‌وکارهای تک مالکیتی و جدید می‌داند (Djivire, 2006: 3).
Lavoie(1995)	کارآفرین زن کسی است که به‌تنهایی یا با مشارکت یا با ارثیه، کاری را با خلاقیت و نوآوری به راه انداخته یا پذیرفته و با پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی واداری و مالی و ریسک‌های مالی، فرآورده‌های تازه‌ای عرضه کرده تا در بازار خریدوفروش بر رقیبان چیره شود (گاردر ۲۷۵: ۱۳۸۷).
Wells (1998)	زن کارآفرین کسی است که کسب‌وکاری جدید ایجاد می‌کند.
On(2011)	زنان کارآفرین افراد جاه‌طلب هستند، آن‌ها بدون محدودیت مسئولیت‌های مهمی را بر عهده می‌گیرند و مایل‌اند محیطی را که اداره می‌کنند کنترل کنند. پشتکار و توانایی کار در یک گروه مهم‌ترین ویژگی‌های زنان تاجر در نظر گرفته می‌شود که آن‌ها را در حرفه خود حمایت می‌کند، درحالی‌که جنبه جسمی آن مهم نیست (On, 2011: 140)

واضح است که در این ادبیات، آنچه مطرح بوده حضور مؤلفه جنس متفاوت در فرایند کارآفرینی و نه جنسیت متفاوت است. لذا لازم است تحقیقات علمی مجزا و متمایزی بر روی کارآفرینان زن به‌طور ویژه انجام شود؛ با این فرض که گذشته از ویژگی‌های مشترک با کارآفرینان مرد، آن‌ها خود دارای جنبه‌های متفاوت و منحصر به فردی هستند و این تفاوت‌ها در کار، منعکس‌کننده تفاوت‌های اساسی و جنسیت مدار در انگیزه‌ها و اهداف، آماده‌سازی، سازمان‌دهی، جهت‌گیری استراتژیک و دسترسی به منابع است. در توضیح این مطلب باید گفت رویکردهای موجود به مسائل زنان در مکاتب و تئوری پردازان برجسته توسعه به دودسته کلی تقسیم می‌شود: اول؛ رهیافت بی‌طرفی جنسیتی^۱ که در آن برنامه‌های توسعه فاقد نگاه جنسیتی هستند. در چنین برنامه‌هایی تفاوتی میان جنسیت زن و مرد در مشارکت، نقش آفرینی و نهایتاً بر خورداری از منافع برنامه توسعه وجود نداشته و لذا ترتیبات نهادی آن‌ها فاقد هر گونه مواد قانونی خاص زنان است. همچنین بر مبنای این نگاه چنین پنداشته می‌شود که آثار سیاست‌های توسعه بر زنان و مردان یکسان است و همه از منافع توسعه بهره‌مند می‌شوند (Saunders, 2002:148). این نگاه خصوصاً در میان برنامه‌ریزان بازسازی زیرساخت‌های کشورها پس از جنگ جهانی دوم به چشم می‌خورد.

با مروری بر نظریات توسعه در حوزه کارآفرینی مشخص می‌گردد که قبل از دهه ۱۹۷۰ نظریات و تئوری‌های مطرح‌شده در زمینه‌ی کارآفرینی عمدتاً با همین رویکرد بوده است و نظریاتی با محوریت خاص زنان وجود نداشته است؛ اما بعد از دهه هفتاد تغییرات جدی در حوزه نظریه‌پردازی توسعه را شاهد هستیم. اولین گام در توجه به رویکردهای جنسیتی در نظریات توسعه در کتاب «نقش زنان در توسعه اقتصادی» (همان: ۱۴۹) با نگرانی از دیدگاه خنثی و توجه نکردن به رویکردهای جنسیتی در نظریات توسعه بیان شده است. این کتاب تأثیر زیادی بر نگرش برنامه‌ریزان توسعه خصوصاً در سازمان‌های بین‌المللی داشت و از آن پس رویکرد دوم یعنی رهیافت حساسیت جنسیتی^۱ که در آن برنامه‌های توسعه با دیدگاه جنسیتی و (به معنای تساوی و نه تشابه) متناسب با شرایط کشورها تنظیم‌شده رواج پیدا کرد (Mose, 1993:3). با این مقدمه، می‌توان دسته‌بندی زیر را از ادبیات این حوزه عرضه داشت:

۳-۱- نظریات کارآفرینی قبل از دهه ۱۹۷۰

ادبیات کارآفرینی از دهه ۱۹۳۰ با محوریت مردان و بدون توجه و نگاه اختصاصی به ادبیات کارآفرینی زنان شکل گرفت (Yadav & Unni, 2016: 2). البته بدیهی است که ابعاد فراجنسیتی در مسئله کارآفرینی در ادبیات این دوره قابل ارجاع و استفاده است و در جدول شماره ۲ برخی از مهم‌ترین نظریه‌پردازان این دوره معرفی شده است.

۳-۲- دوره گذار به ادبیات کارآفرینی حساس به جنسیت

اولین جرقه‌های مطالعه در خصوص مسئولیت‌ها و کارآفرینی زنان به دهه‌ی ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ مربوط می‌شود. در نظریات پارسونز به‌عنوان مهم‌ترین نظریه‌پرداز مکتب ساختارگرایی- کارکردگرایی، می‌توان ردپای ایجاد این حساسیت را مشاهده کرد. پارسونز در خلال نظریه‌ی کلیدی نظام‌های اجتماعی خود مطرح می‌کند برای آن که خانواده بتواند کارکرد مؤثری داشته باشد، باید نوعی تقسیم‌کار جنسی در آن برقرار باشد. از منظر او مردان که واحد خانواده را به‌نظام گسترده‌تر اجتماعی پیوند می‌زنند، باید در جهت‌گیری خانواده نقش مؤثری داشته باشند اما زنان که وظیفه‌شان اداره امور داخلی خانواده است باید از کودکان و مردان بزرگسال خانواده مراقبت کرده و سنگ صبور، مهربان، پروراننده و سرشار از عاطفه باشند (پارسونز، ۱۹۵۴ به نقل از ریتزر، ۱۳۷۴: ۴۶۷). از دهه ۱۹۷۰ به بعد سیاست‌گذاران و دانشگاهیان به این فکر افتادند که چگونه برنامه‌های

توسعه می‌تواند با زنان جامعه مرتبط باشد. ایستر^۱ در کتاب خود با عنوان «نقش زنان در توسعه اقتصادی»^۲ فرضیه‌های رویکرد رفاه و پیش‌فرض‌های نظیر این‌که زنان با بهره‌وری کمتر حق ندارند سهمی از منابع توسعه کمیاب داشته باشند را به چالش کشیده است (Saunders, 2002:149).

۳-۳- نظریات کارآفرینی زنان بعد از دهه ۱۹۷۰

شوارتز^۳ عامل جنسیت را برای اولین بار به نحو کامل در دهه ۱۹۷۰ وارد ادبیات کارآفرینی کرد. باین‌حال مطالعات مختص به کارآفرینی زنان، تقریباً تا دهه ۱۹۸۰ بسیار نادر بود اما هم‌زمان با افزایش تعداد زنان کارآفرین، رشد چشمگیری در این زمینه در دهه ۱۹۹۰ رخ داد (Brush, 1992:7). از آن زمان در پژوهش‌های گوناگون ویژگی‌های روان‌شناختی زنان کارآفرین و هم‌تایان مردان مقایسه شده است (Kuada, 2009:86) و با افزایش کسب‌وکارهای تحت اختیار و مدیریت زنان و افزایش قابل توجه زنان شاغل در خارج از منزل، زمینه‌های جدیدی برای تحقیق پیرامون تحلیل جنسیتی^۴ در حوزه کارآفرینی به وجود آمد (Fisher & et al, 2002:1236). نکته حائز اهمیت این است که تبعیض جنسیتی موجب شده کارآفرینان زن در عرصه اقتصادی رشد نکنند و به عبارت دیگر، تجربه‌ی زیسته ایشان در عرصه کارآفرینی همراه با انواع خورش‌ها بوده و لذا ارائه یک ساختار یکپارچه برای درک جنسیت و کارآفرینی سخت باشد (Xie & et al, 2016: 974). به‌عنوان مثال گفته شده زنان کارآفرین نسبت به هم‌تایان مرد خود در زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی آسیب‌پذیرتر هستند که این مسئله به تفاوت جنسیتی در عملکرد سرمایه‌گذاری آن‌ها نیز منجر می‌شود (Klapper & Parker, 2011: 239). باین‌حال از دهه ۱۹۷۰ به بعد که مسئله جنسیت و توجه به تمایزهای جنسیتی در مکاتب و نظریه‌های توسعه مهم تلقی شد، نظریات ارائه شده در زمینه کارآفرینی زنان را می‌توان در سه حوزه: نظریه زنان در توسعه^۵، نظریه زنان و توسعه^۶ و نظریه جنسیت و توسعه^۷ تقسیم‌بندی نمود. جدول شماره‌ی ۲ نمایی از گونه‌شناسی جریان‌های فکری مؤثر و نظریات ارائه شده در زمینه کارآفرینی زنان را به‌طور خلاصه به نمایش می‌گذارد:

1. Ester Boserup

2. Women's Role in Economic Development

3. Eleanor Schwartz

۴. در خصوص تحلیل جنسیتی باید گفت که واژه جنس به تفاوت‌های بیولوژیکی و فیزیکی میان زن و مرد اشاره دارد. در حالی که منظور از جنسیت، نقش‌ها، مسئولیت‌ها و فرصت‌های تفکیک‌ناپذیر زنان و مردان در جامعه است. تفاوت‌های جنسیتی پدیده‌ای تأثیرگذار بر باورها و عقاید اجتماعی است و توسط جامعه، اعم از زنان و مردان تفهیم و ترویج می‌شود و نوع دیگری از تفکیک جنسیتی، در نوع فعالیت آن‌ها است (گرث و میلز، ۱۳۸۰ به نقل از روشن نیا و همکاران، ۱۳۹۴:۷۰).

5. Women in Development(WID)

6. Women and Development(WAD)

7. Gender and Development(GAD)

جدول ۲: جدول تحلیل تطبیقی نظریات کارآفرینی زنان

نظریات کارآفرینی زنان با توجه به رویکردهای جنسیتی		نظریه زنان و توسعه		نظریه زنان در توسعه	
نظریات فمینیستی	نظریه جنسیت و توسعه (آغاز بکار اواخر دهه ۱۹۷۰)	نظریه زنان و توسعه (آغاز بکار میانه دهه ۱۹۷۰)	نظریه زنان (آغاز بکار اوایل دهه ۱۹۷۰)	نظریه زنان در توسعه (آغاز بکار اوایل دهه ۱۹۷۰)	نظریه زنان (آغاز بکار اوایل دهه ۱۹۷۰)
مهم‌ترین تئوری	مهم‌ترین مؤلفه	نظریه پردازان	مهم‌ترین مؤلفه	نظریه پردازان	مهم‌ترین مؤلفه
تفاوت‌های جنسیتی در کارآفرینی به دلیل تفاوت در جامعه‌پذیری (Barone et al, 2014: 16)	بررسی مشاغل کنترل شده توسط زنان & Humphreys (McClung, 1981: 15)	هامفریز و کلونگ (۱۹۸۱)	منابع انسانی تعیین‌کننده مشخصه و عمق توسعه اقتصادی و اجتماعی (تواناییان فرد، ۱۳۵۹: ۵)	هاریسون	به چالش کشیدن اصول متعارفی همچون بهره‌وری (Bose- کمتر زنان (sup, 1970.
خودباوری زنان نسبت به قدرت و اعتماد میان خود (Srivastava et al, 2017: 111-113)	ارائه یک مدل شعاعی رفتار - اخلاق از عوامل تعیین‌کننده کارآفرینی زنان (Ya-dav & Unni, 2016: 5)	بورن و هیسبرج (۱۹۸۶)	عدم موفقیت برنامه‌های اجتماعی دولت، جهت بهبود موفقیت زنان (شرایف، ۱۳۸۵: ۲۰۷-۳۱۰)	لویرینسون (۱۹۹۴)	ورود عامل جنسیت به ادبیات کارآفرینی برای اولین بار (Kuada, 2009: 86)
خشونت ساختارمند علیه زنان، همچون خشونت اقتصادی و شکاف جنسیتی دستمزدها (Blau & et al, 2017: 790)	اندازه‌گیری شاخص شایستگی کارآفرینی شخصی با توجه به جنسیت (McClelland) (& et al, 1987)	مک کله لند (۱۹۸۷)	ضرورت مشارکت زنان همانند مردان در فرآیند توسعه بهره‌جویی از نتایج (الوانی و ضرغامی فرد، ۱۳۸۰: ۶۳)	الوانی (۱۳۸۰)	توسعه انسانی پایدار و به لزوم توجه به حقوق زنان/ مشارکت فعال آن‌ها در همه مجامع (Anand and Sen, 1994: 4 به نقل از آزکیا و همکاران، ۱۳۹۲)
	سوسیالیست				آمار تیاسن (۱۹۹۴)

نظریات کارآفرینی زنان با توجه به رویکردهای جنسیتی					
نظریات فمینیستی	نظریات جنسیت و توسعه	نظریه زنان و توسعه	نظریه زنان در توسعه	نظریه زنان در توسعه	آغاز بکار اوایل دهه ۱۹۷۰
همسری و مادری مانع دستیابی زنان به آزادی (تاتگ، ۱۳۸۷: ۶۲)	پنج خصوصیت منحصر به فرد زنان (فیشر، ۲۰۰۰، به نقل از مدرسی سریزدی، ۱۳۸۶: ۳۱۳)	فیشر (۲۰۰۰)	آغاز به کار زنین در مشاغل جدید (Zoeller, 2015: 11)	کلی (۲۰۱۱)	کارآفرینی یک اقدام فرهنگی مبتنی بر سیستم ارزش‌های مورد تشویق جامعه Shapiro & Soko, 1989)
رانده شدن زنان به خانه و خانواده (Nonlock, 2019: 5) / محوریت از مشارکت کامل در جامعه (ریترز، ۱۳۷۴: ۴۷۵)	شاخص‌های موفقیت زنان و مردان کارآفرین (Malaya, 2006: 12)	مالایا (۲۰۰۶)	وجود موانع در برابر زنان مثل دسترسی نابرابر به دارایی‌ها یا منابع یا آموزش و پرورش مواجهه Yadav & Unni, 2016: 8	سالیوان و میک (۲۰۱۲)	تغییر برنامه‌های دولت جهت توجه واقعی به رفاه زنان (شرابی، ۱۳۸۵: ۲۰۷-۲۱۰)
-	طبقه‌بندی کارآفرینان و بررسی تحولات شرکت‌های تحت مالکیت زنان به Anderson, 2007 نقل از, Sadrul Huda, 2009: 19	اندرسون (۲۰۰۷)	تغصب جنسیتی پنهان در مورد گفتمان کارآفرینی زنان (Yadav & Unni, 2016: 9)	اهل و مارلو (۲۰۱۲)	تلاش برای کارآفرینی زنان با استفاده از برنامه‌های توسعه‌ای Yadav & Unni, 2016: 9
-	-	-	-	-	جینگز و برانش (۲۰۱۲)

۴- تحلیل انتقادی ادبیات حوزه کارآفرینی زنان

با بررسی ادبیات کارآفرینی مشخص می‌شود اتفاق نظر اندیشمندان و صاحب‌نظران توسعه بر این است که تئوری‌ها و سیاست‌های پیشنهادشده در زمینه کارآفرینی زنان نارسایی‌هایی داشته و از کارآمدی لازم برای تمهید حضور زنان و ایفای نقش ایشان در توسعه برخوردار نیست. بر همین مبنا تحلیل انتقادی ادبیات و لزوم بازنگری جدی در آن‌ها لازم است. با تحلیل اسنادی گستره ادبیات مزبور، انتقادات مطروحه در این حوزه را می‌توان در موارد زیر دسته‌بندی کرد:

۴-۱- نقدهای نظری، معرفتی و روش‌شناختی

همواره یکی از وجوه انتقادی وارد بر ادبیات حوزه کارآفرینی زنان، ابعاد روش‌شناختی این تحقیقات بوده است. این وجه از تحلیل‌های انتقادی به شیوه‌های نظریه‌پردازی در حوزه کارآفرینی زنان را شاید بتوان در سه محور مورد بررسی قرارداد.

۱- نقص در چارچوب‌ها و بنیان‌های مفهومی موجود در ادبیات یکی از دیدگاه‌های موجود است. به‌طور مثال آهل^۱ این استدلال که زنان کارآفرین بخش مهمی از رشد اقتصادی هستند ولی تاکنون ناشناخته مانده‌اند را به‌عنوان توجیه اصلی کار خود قرار داده و انتقاداتی اساسی به روش تولید ادبیات کارآفرینی زنان که تا سال ۲۰۰۰ ارائه شده بود وارد می‌کند (Ahl, 2006: 605). کارن و همکارانش جهت‌گیری‌ها و خطوط جدیدی را برای مطالعات حوزه کارآفرینی زنان پیشنهاد دادند و در سؤالات تحقیق خود بیشتر بر مستندسازی و تلاش برای توضیح عملکرد اقتصادی و رشد مشاغل زنان با طرح سؤالات مهم و بالقوه در حوزه کارآفرینی زنان تأکید داشتند (Karen & et al, 2012: 432).

۲- دیدگاه دیگر انتقاد گسترده از تحقیقات موجود در مورد کارآفرینان زن، به جهت سیطره گرایش فردگرایانه فزاینده در این تحقیقات است. آهل استدلال کرده که این گرایش و رویکرد فردگرایانه در مباحث تئوری و رویکردهای روش‌شناختی کاملاً آشکار است. همین موضوع یکی از دلایل اصلی کوچک و محدود شدن دامنه تحقیقات مربوط به کارآفرینی زنان است (Ahl, 2006: 606). در پژوهش‌های حوزه کارآفرینی زنان این ایده که توضیح و توجیه تفاوت‌ها را باید در سطح اجتماعی یا نهادی پیدا کرد تا در سطح فردی و تک‌تک افراد باید تقویت شود (همان: ۶۰۸).

۳- انتقاد گسترده‌ی دیگری که مطرح شده مربوط به موضع هستی شناختی و معرفت‌شناختی تحقیقاتی است که تا اواسط قرن ۲۰۰۰ منتشر شده‌اند. به‌طور مثال در ملاقه‌های هستی شناختی و معرفت‌شناختی در تحقیقات، آلوآرز و بارنی به بازخوانی بحث‌های اساسی در حوزه کارآفرینی زنان پرداخته‌اند. در این نگاه انتقادی، برخی مطالعات نه تنها بر وجود ذاتی «مرد» یا «زن» بودن تأکید می‌کنند بلکه با در نظر گرفتن ویژگی‌های اساسی برای این دو، لزوم طرح مباحث اختلاف جنسیتی را نیز مطرح می‌کنند؛ اما از منظر همین تفاوت، این تصور غلط را در متون علمی ترویج می‌کنند که علت کم‌کاری و تعداد کمتر کارآفرینان زن به دلیل همین اختلافات در ویژگی‌های ذاتی و جنسیتی زنانه است (Alvarez & Barney, 2010: 608). در مجموع علاوه بر موارد فوق، سایر انتقادات مطرح‌شده ناظر بر ابعاد روش‌شناختی نظریه‌پردازی در حوزه کارآفرینی زنان را می‌توان در جدول زیر ذیل دودسته رویکردهای گذشته و رویکردهای جدید خلاصه نمود:

جدول شماره ۳: تغییر جهت رویکردهای مطالعات کارآفرینی زنان

تبیین‌ها / رویکردها	پژوهش‌های گذشته	پژوهش‌های جدید
تبیین فردگرایانه و رویکرد عینی‌گرایی	مطالعاتی که عملکرد شرکت‌های تحت ریاست مردان در مقابل ریاست زنان را مقایسه می‌کند.	مطالعاتی که به بررسی مقایسه‌ای تفاوت شرکت کارآفرینان زن و مرد در استراتژی‌های اثربخشی می‌پردازد.
تبیین متنی و رویکرد عینی‌گرایی	مطالعاتی که نسبت زنان درگیر فعالیت‌های کارآفرینی در کشورها متفاوت را بررسی می‌کند.	مطالعاتی که به بررسی تغییرات خانواده و مسئولیت‌های خانه مسیر کارآفرینان غیررسمی در طول زندگی می‌پردازد.
تبیین فردگرایانه و رویکرد ساخت‌گرایی	مطالعاتی که چگونگی ساخت مفهوم کارآفرینی و رشد توسط زنان و مردان را مقایسه می‌کند.	مطالعاتی که به مقایسه چگونگی ایجاد فرصت‌های کارآفرینی توسط کارآفرینان زن و مرد می‌پردازد.
تبیین متنی و رویکرد سازه‌گرایی	مطالعاتی که فرآیندهای به دست آوردن منابع در زمینه‌های مختلف را بررسی می‌کند.	مطالعاتی که به بررسی چگونگی بازسازی هویت‌های نقش جنسیتی در زمان و مکان از طریق کارآفرینی به‌عنوان ایجاد فضای خلاقیت و نوآوری می‌پردازد.

منبع: (Karen & et al, 2012: 432)

۴-۲- نقدهای ناظر بر نقش‌های چندگانه زنان کارآفرین

یکی از پررنگ‌ترین مباحثی که همواره مورد توجه منتقدان حوزه کارآفرینی زنان بوده، بحث تعارض نقش‌ها برای زن کارآفرین است. به عقیده ایشان، نظریات کارآفرینی، این مشکل که یک دغدغه به مشغله‌ها و مسئولیت‌های قبلی زنان بدون اینکه برای مدیریت آن برنامه یا راه‌حلی داشته باشد را ایجاد کرده است. به عبارت دیگر به جای این که تعدد نقش‌های جنسیتی زنان، خود مایه‌ای برای توسعه فرصت‌های کارآفرینانه آن‌ها باشد، ادبیات موجود بیشتر بر تعارض این نقش‌ها دامن زده است. در نتیجه سردرگمی مضاعفی را به جامعه زنان تحمیل کرده است.

توضیح اینکه، زنان فعال در عرصه‌های اقتصادی و کارآفرینی به طور هم‌زمان دارای سه نقش همسری، مادری و شغلی هستند که هر یک از این نقش‌ها دارای مجموعه‌ای از انتظارات مختلف بوده که مسئولیت مادران را حسب مقتضیات زمان افزایش نیز داده است. به طور مثال وظایف مادران به‌غیر از نگهداری و حفاظت جسمانی از فرزندان شامل توجه دقیق‌تر به رشد روانی، اجتماعی و فکری آنان نیز است (Bilton, 1997: 219). این در حالی است که بنابر قرارداد اجتماعی مردها کمتر مسئول تربیت فرزندان شمرده می‌شوند. لذا از آنجاکه مادران شاغل بخش فراوانی از زمان خود را صرف فرزندانشان می‌کنند، بنابراین انگیزه و فرصتشان برای توسعه فعالیت‌های کارآفرینانه و شغلی محدود می‌شود؛ بنابراین در بعضی از موارد نوآوری، پیشگامی و توان محقق ساختن طرح‌ها و اندیشه‌های نو که از مهم‌ترین ابزار کارآفرینی است با وظیفی که از یک زن در نقش همسری انتظار می‌رود ناهماهنگ است (جوهری و قضاتی، ۱۳۸۳: ۱۶۸). تأکید بر نقش‌های سنتی زنان و تعهد به حضور در خانه مانع از آن می‌شود که زنان برای توزیع وقت و انرژی خود کنترل داشته باشند؛ بنابراین در صورت حضور در بازار کار در ایفای موازی تعهدات کار و خانواده خود با تعارض نقش مواجه هستند (GEM, 2007: 30). در کشورهای آفریقایی زنان کارآفرین نسبت به مردان امتیازاتی کمتر دارند و توسعه کاری آنان محدودتر از مردان است؛ زیرا زمانی که در محل کار خود حضور دارند مجبورند افرادی را برای محافظت از فرزندان و انجام کارهای خانه استخدام کنند تا با ایجاد تعادل در زندگی کاری و خانوادگی، تضاد نقش در آنان کاهش یابد (Mahadea, 2001: 197). حتی در کشورهای صنعتی مثل آلمان هنوز وظیفه اصلی زنان خانه‌داری و مراقبت از کودکان دانسته و نقش زنان را مرتبط با خانه و مسئولیت‌های خانوادگی تعریف می‌کنند و لذا کارآفرینی را برای زنان چندان مطلوب نمی‌دانند (Welter, 2006). همچنین، نتایج تحقیقات درباره تفاوت‌های جنسیتی زنان کارآفرین در روسیه نشان داد که آن‌ها مسئولیت‌هایی مانند خانه‌داری و تربیت فرزندان را بر عهده‌دارند. وجود مسئولیت مضاعف و

تضاد نقش برای زنان روسی باعث شده است تا آنها نتوانند در شغل خود به اندازه مردان مراحل پیشرفت را طی کنند و حضور نامتناسب آنها در کارهای دستی و اغلب سطح پایین بیانگر این موضوع است (Chechurina & Yelliene, 2002:11). چلبی معتقد است هویت‌های شغلی زنان اغلب تحت الشعاع نقش‌های خانوادگی آنها است (چلبی، ۱۳۷۵: ۲۴۰).

۴-۳- نقد به دسترسی نابرابر به منابع و فرصت‌ها

موانع زنان در دسترسی به ملزومات بروز کنش کارآفرینانه همواره یکی از مهم‌ترین مباحثی است که مورد توجه منتقدان واقع شده است. بر همین مبنا بسیاری از پژوهش‌هایی که در زمینه کارآفرینی زنان انجام شده به موانع کارآفرینی زنان پرداخته و ادبیات رایج را از حیث عدم توجه به آن به چالش کشانده‌اند. علی‌رغم رشد روزافزون شرکت‌های تحت مدیریت زنان در سراسر جهان، اما زنان هنوز در شروع کسب‌وکار، تداوم و نگاهداشت موقعیت و نیل به موفقیت با چالش‌هایی روبه‌رو هستند؛ چراکه بهانه‌هایی چون تعدیل و حفظ شرکت‌ها به دلیل کمبود بودجه، برچسب برخورداری کمتر از مهارت‌ها و وجود برخی محدودیت‌های اجتماعی همیشه کارآفرینی زنان را تهدید کرده است (Goyal & Yadav, 2014:69). بررسی ادبیات جهانی در مورد کارآفرینی زنان نشان می‌دهد که ضمن بهبود عوامل مثبت که به رشد کارآفرینی زنان منجر شده است، موانعی نیز بر سر راه آنها وجود دارد (Henry & et al, 2016: 221) و این واقعیت که موانع جنسیتی بر تصمیم زنان در مورد شروع کارآفرینی تأثیر می‌گذارد کمتر مورد توجه قرار گرفته است. نمونه‌ای از توجه به نابرابری جنسیتی را در مطالعه‌ای که سازمان ملی شرکت‌های کوچک و متوسط رومانی (ANIMMC)^۱ در سال ۲۰۰۶ انجام داده است^۲، می‌توان دید.

1. The National Agency for Small and Medium Enterprise

۲. شورای ملی SME های رومانی با تحقیق بر بیش از ۱۰۰۰ شرکت کوچک در سال ۲۰۰۹ تصویری از کارآفرین رومانی را ترسیم کرد. ویژگی‌های مهم کارآفرینی در رومانی، در مورد سطح صلاحیت کارآفرینان، میانگین سنی، جنسیت و غیره در این گزارش در دسترس است.

<http://www.cnipmmr.ro/presa/ conferinte / 30.07.2009.pdf>.

جدول شماره ۴: موانع مشترک و جنسیتی کارآفرینی

موانع جنسیتی	موانع مشترک کارآفرینی
<ul style="list-style-type: none"> - کلیشه‌های حرفه‌ای (دستمزد متوسط کمتر برای زنان، دشواری در کسب مشاغل خاص و غیره) - ذهنیت جمعی سنتی، تعصبات فراوان - تعادل بین زندگی حرفه‌ای و خانوادگی / خصوصی؛ بارداری و مراقبت از کودکان - ارتقاء کلیشه‌های زنان در رسانه‌های جمعی 	<ul style="list-style-type: none"> - مشکلات مالی - دشواری دریافتن ارتباط مناسب برای مشاغل - کمبود اطلاعات / مشاوره - کمبود فن‌آوری مدرن - کارکنان کم باصلاحیت - فشار مالیات - بروکراسی

منبع: (ANIMMC, 2006) به نقل از (On, 2012: 142)

به‌طور کلی باید گفت در حال حاضر منشأ تفاوت‌های متنوع و پیچیده کارآفرینی زنان و مردان عمدتاً در اختلاف در دسترسی به سرمایه انسانی، مالی و اجتماعی است. زنان توانایی کمتری در دسترسی به این منابع دارند بنابراین از فرصت‌ها و موقعیت‌های موجود کمتر نیز بهره‌مند می‌شوند. نتیجه این نابرابری در سطح جهان، آنجاست که زنان حدود ۴۰٪ کمتر از مردان از فرصت‌های شغلی و کسب‌وکار برخوردارند (BCG, 2014:4).

۴-۴- انتقادات فمینیست‌ها به نظریات کارآفرینی زنان

اقتصاد فمینیستی رهیافتی انتقادی به علم اقتصاد سنتی است که جنسیت در آن مورد غفلت قرار گرفته است (Beneria, 2003: 116). از دید فمینیست‌ها، نمی‌توان پیشرفت اقتصادی را صرفاً بر مبنای کالاها یا محصول ناخالص داخلی سنجید بلکه پیشرفت اقتصادی باید بر اساس رفاه انسانی^۱ موردسنجش قرار بگیرد. حاصل انتقاد فمینیست‌ها از اقتصاد سنتی، این است که شاخص‌هایی مانند شاخص توانمندی جنسیتی^۲ و شاخص توسعه جنسیت محور^۳ از سال ۱۹۹۵ به شاخص‌های گزارش توسعه انسانی اضافه گردیده‌اند. شاخص توانمندی جنسیتی توسط برنامه توسعه سازمان ملل برای اندازه‌گیری نابرابری جنسیتی در میان کشورها ارائه می‌شود. نابرابری‌ها بر اساس درآمد زنان، مشارکت آنان در موقعیت‌های شغلی با درآمد بهتر و دسترسی به موقعیت‌های پارلمانی و حرفه‌ای و نظیر آن سنجیده می‌شود. شاخص توسعه جنسیت محور شاخصی توزیع محور است که تأثیر شکاف‌های نسلی موجود را بر مؤلفه‌های سه‌گانه توسعه انسانی (سواد، بهداشت، درآمد)

1. Human well-being
2. Gender Empowerment Measure (GEM)
3. Gender-related Development Index (GDI)

در جامعه زنان در نظر می‌گیرد (Klasen, 2009:112). مهم‌ترین انتقادهای مطرح‌شده انتقاد اقتصاددان رمنی نسبت به ادبیات متعارف در خصوص اشتغال و کارآفرینی زنان است که در پنج محور زیر خلاصه می‌شود:

الف - عدم محاسبه مسئولیت‌های خانگی زنان در حساب‌های ملی

بسیاری از فعالیت‌های غیر بازاری^۱ زنان از قبیل تهیه غذا، مراقبت از خانه، نگهداری از کودکان، بیماران، سالمندان و... غیراقتصادی در نظر گرفته می‌شوند و لذا در تحقیقات اقتصادی جایگاهی نخواهند داشت. این یکی از نخستین انتقاداتی است که اقتصاددانان بر علم اقتصاد متعارف وارد آورده‌اند. آن‌ها می‌گویند کار زنان از قبیل زایمان و بزرگ کردن کودکان، نگهداری از خانه، فراهم کردن غذا، حمایت اساسی و مراقبت از سالمندان ساده انگاشته می‌شود؛ ولی اگر همین خدمات توسط بازار یا دولت ارائه شود، فعالیت اقتصادی قلمداد می‌گردد. آنها معتقدند محاسبه نکردن کارخانگی زنان در تولید ناخالص داخلی دارای تبعاتی است که منجر به عدم بازگشت ما به ازای ارزشی کار ایشان و بدتر شدن وضعیت زنان می‌شود (Folber, 1994).

ب- توجه نکردن به تصمیم‌های اقتصادی خانواده

هسته مرکزی اقتصاد متعارف را فردی تشکیل می‌دهد که از عقلانیت کامل برخوردار است و به دنبال حداکثر کردن رفاه مادی خویش است. به این ترتیب اقتصاد نوکلاسیک علی‌رغم طرح خانوار به مثابه مصرف‌کننده و تأمین‌کننده منابع تولید، نسبت به خانواده کاملاً بی‌توجه است. این غفلت توسط گری بکر- اقتصاددان نوکلاسیک و برنده جایزه نوبل در سال ۱۹۹۲- و برخی دیگر از اندیشمندان که خود را اقتصاددان خانه^۲ می‌نامیدند مورد توجه قرار گرفت. مطالعه تخصیص‌ها و تصمیمات اقتصادی درون خانواده‌ای، یکی از مسائلی است که توسط وی در اقتصاد مطرح شد. بکر به این نتیجه می‌رسد که در خانواده نیز تخصیص‌گرایی جنسیتی در کار رخ می‌دهد بدین صورت که زنان به انجام کارهای خانه و مردان در فعالیت بیرون از خانه تخصص یافته‌اند و این وضعیت همان حالت بهینه است (Van Veizen, 1994: 121). متأسفانه ترکیب بهینه‌ای بین ادبیات متعارف کارآفرینی و گستره جدید مطالعات اقتصاد خانواده مشاهده نمی‌شود.

۱. یکی از موضوعات کلیدی در اقتصاد که دارای تعریف گسترده‌ای نیز هست، بازار است. بازار از دیدگاه‌های اقتصادی تنها محلی که در آن دادوستد انجام می‌شود نیست. بلکه فضای بسیار وسیع‌تری دارد و برای مثال بازارهای مجازی را نیز شامل می‌شود. (۱۹۸۷) در فرهنگ جدید اقتصادی می‌گوید: بازار نهادی است برای به ثمر رساندن معاملات. ساموئلسون و نردهاوس (۱۹۹۸) می‌گویند بازار سازوکاری است که به وسیله آن خریداران و فروشندگان با تعامل (آزاد) قیمت و مقدار کالاها و خدمات را تعیین می‌کنند (توکلی، ۱۳۸۰: ۱۸).

2. Home economist

ج- اقتضائات جنسیتی بازار کار

بوری و همکاران نشان دادند که در تمام کشورها زنان تمایل بیشتری به مشاغل پاره‌وقت دارند. در میان افراد مجرد بدون فرزند، زنان از ۱/۵٪ در فنلاند تا ۹۱٪ در هلند، بیش از مردان به کار پاره‌وقت مشغول هستند. برای افراد متأهل این میزان افزایش یافته و به بالای ۲۵٪ در برخی از کشورهای اروپای شمالی و حتی ۴۵٪ در هلند می‌رسد و برای زنان دارای فرزند این میزان نیز بیشتر است. درآمد مشاغل تمام‌وقت همواره بیش از کار پاره‌وقت است و زنان به صورت ارادی خواهان اشتغال در مشاغل پاره‌وقت هستند. این قبیل از ویژگی‌ها و اقتضائات جنسیتی بازار کار زنان، چه در قوانین کار و چه در فرایندهای کارآفرینی و مطالعات مربوط به آن‌ها کمرنگ یا مغفول است.

د- کلیشه‌های جنسیتی برای زنان

علت این امر مسائل فرهنگی و روان‌شناختی است. به این معنی که خصوصیت‌ها و مشخصه‌های متفاوت زنان نسبت به مردان مانع از ارتقاء شغلی آن‌ها می‌شود. علت دیگر، تفاوت در ترجیحات دو جنس است. زنان ممکن است به دلیل گرایش‌های اجتماعی خود مانند خانواده و تأثیر بالقوه شغل بر زندگی خانوادگی، تضاد نقش‌ها و فشار مضاعف کار خانه و بیرون، وجود کلیشه‌های جنسیتی و فرهنگ جامعه، سنگین و وقت‌گیر بودن مشاغل مدیریتی، نیاز نداشتن به درآمد بالاتر و یا به دلایل متعدد دیگر ترجیح دهند در سطوح پایین‌تر شغلی کار کنند و کارگری و کارمندی را بر کارآفرینی ترجیح دهند (ملکی، ۱۳۸۴: ۲۲۷).

ه - شبیه شدن زنان به مردان

الشتین از نحله رمنی‌های خانواده‌گرا، معتقد است این ادعا که زنانی که مادری و همسری را انتخاب می‌کنند کوتاه‌فکرند و زنانی که بیش از همه مایل‌اند در نقش‌های اجتماعی و شغلی حاضر بشوند روشنفکر هستند، خشم زنانی را که به دلیل انتخابشان مورد اهانت قرار گرفته‌اند، برانگیخته است. الشتین تذکر می‌دهد این امر با اصول اولیه لیبرالیسم مبنی بر آزادی انتخاب و احترام، مخالفت دارد. اصرار بر تغییر نقش‌ها و شبیه کردن زنان و مردان به یکدیگر در کوتاه‌مدت امکان‌پذیر نیست و اجبار افراد بر تغییر نیز هم چنان با اصول لیبرالیسم تناقض دارد (تانگ، ۱۳۸۷: ۳-۶۱). الشتین مدعی است که رفتار منصفانه، شفقت، اخلاق و مسئولیت‌پذیری از طریق یک مادر خوب به افراد منتقل می‌شود. اگر چنین فرایندی از مراقبت و توجه به جامعه گسترش داده شود، تغییرات جدی در شالوده‌های ساختاری حقوق، مسئولیت‌ها و قوانین اتفاق خواهد افتاد (Elshtain, 1995 به نقل از Budig, 2004: 428).

۵- نارسایی‌های موجود در ادبیات نظری کارآفرینی زنان

وقتی نیمی از جمعیت و نیروی کار جوامع را زنان تشکیل می‌دهند قطعاً نمی‌توان نقش آن‌ها را در صحنه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نادیده گرفت؛ بنابراین یکی از معیارهای ارزیابی کشورها از نظر توسعه، میزان حضور و مشارکت زنان در فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی است؛ اما با وجود این ضرورت، زنان هنوز نتوانسته‌اند به جایگاه اصلی نقش‌آفرینی خود در توسعه دست یابند. اتفاق نظر اندیشمندان و صاحب‌نظران توسعه بر این است که تئوری‌ها و سیاست‌های پیشنهادشده در زمینه کارآفرینی زنان نارسایی‌هایی داشته و از کارآمدی لازم برای تمهید حضور و ایفای نقش زنان سازگار با نقش‌ها و مسائل جنسیتی در توسعه برخوردار نیست. با توجه به آنچه در گونه‌شناسی و تحلیل انتقادی ادبیات کارآفرینی دهه‌های اخیر ارائه شد؛ مهم‌ترین بی‌توجهی‌ها و نارسایی‌های موجود در ادبیات نظری کارآفرینی زنان که در شکل‌گیری زیست‌بوم فعلی کارآفرینی زنان در دنیا و مشکلات و کمبودها و آسیب‌های آن اثرگذاری مستقیم و جدی داشته‌اند، عبارت‌اند از:



شکل شماره ۱: نارسایی‌های ادبیات نظری کارآفرینی زنان

۶- دلالت‌های سیاستی نیل به ادبیات مطلوب

بر اساس آنچه در بخش‌های قبلی به دست آمد و با توجه به وجود نارسایی‌ها و چالش‌های موجود در ادبیات نظری کارآفرینی زنان، ضروری است فعالان حوزه کارآفرینی، سیاست‌گذاران و تصمیم‌سازان این عرصه از این نقیصه‌ها مطلع بوده و در تله‌های مفهومی گرفتار نشوند، پژوهشگران

و نظریه‌پردازان به دام ادبیات رایج نیفتاده و به رفع این اشکالات کمر همت بگمارند و مدیران علمی و سیاست‌گذاران پژوهشی نیز جهت تغییر روند و مسیر موجود، تغییر و تحولاتی در روند پژوهشی و تحقیقاتی و البته نظریه‌پردازی در این زمینه ایجاد کنند. بدیهی است این موارد در سیاست‌گذاری بومی و تلاش‌های مربوط به نیل به الگوی ایرانی اسلامی در حوزه کارآفرینی زنان از جایگاه برجسته و مهمی برخوردار هستند. بر همین مبنا دلالت‌های سیاستی زیر پیشنهاد می‌شود:

انجام تحقیقات بر مبنای سؤالات و مسائل واقعی زنان

به نظر می‌رسد یکی از چالش‌های جدی نظریه‌پردازی و پژوهش در زمینه‌ی کارآفرینی زنان درگیر شدن این حوزه با کلیشه‌های تکراری در انتخاب موضوع تحقیقات است. به‌عنوان نمونه درصد قابل توجهی از مقالات و پایان‌نامه‌های دانشجویی که با محوریت موضوع کارآفرینی زنان تألیف می‌شود صرفاً به نام بردن موانع کارآفرینی زنان بسنده کرده‌اند. بدون اینکه به زنجیره علی- معلولی و چرایی شکل‌گیری این موانع یا راهکارهای تخصصی برای رفع آن‌ها ارائه کرده باشد.

بهره‌گیری از رهیافت‌های جدید و تجربیات زیسته‌ی سایر کشورها در زمینه‌ی کارآفرینی زنان

با افزایش ورود زنان به عرصه کارآفرینی، مشکلات و موانع ایجادشده برای زنان نیز گسترش یافته است. با توجه به لزوم و اهمیت پررنگ شدن حضور زنان در عرصه کارآفرینی، هر جامعه‌ای به فراخور ظرفیت‌های خود تلاش کرده است راه‌حلی را برای رفع این مشکلات تدوین و اجرا نماید. این راه‌حل‌ها گاه در قالب رویکردها و رهیافت‌های نظری جدید و گاه در قالب بسته‌های سیاستی جدید خود را نشان داده است. به همین منظور، نحوه مواجهه‌ی کشورهای مختلف با این مسائل و راه‌حل‌های پیشنهادی آن‌ها و حتی تجربیات زیسته‌ی ایشان در اجرای رویکردهای جدید، می‌تواند به‌عنوان طرح‌های پژوهشی مهمی در این زمینه تعریف شود.

توجه به اقتضانات، شرایط و ظرفیت‌های واقعی زنان در نظریه‌پردازی

توجه نکردن به جنسیت در مقوله‌ی کارآفرینی یکی از مشکلات جدی و به عبارتی سر حلقه ایجاد مسائل و چالش‌های بعدی حوزه کارآفرینی زنان است. زمانی که اقتضانات، روحیات، توان جسمی، ظرفیت‌ها و ویژگی‌های درونی زنان در زمینه‌ی کارآفرینی از مرحله نظریه‌پردازی تا سیاست‌گذاری نادیده گرفته می‌شود، مسلماً نمی‌توان انتظار موفقیت و اثرگذاری مطلوب از آن در جامعه داشت. به عبارتی زمانی که ویژگی‌های جنسیتی زنان از مقوله کارآفرینی حذف و یا ناقص ارائه می‌شود، درنهایت کارآفرینی زنان در همان چارچوب اشتغال زنان بازتعریف خواهد شد. شناخت دقیق و صحیح این ویژگی‌ها مرحله‌ای مهم در تعیین عرصه‌های ورود زنان و نقش‌آفرینی ایشان در توسعه خواهد بود.

گذر از کارآفرینی زنان به ارزش آفرینی زنان

اگر مقوله‌ی کارآفرینی زنان در نتیجه تلاقی دو مجموعه مفاهیم، اول، ویژگی‌ها، ظرفیت‌ها و اقتضائات زنان و دوم، ویژگی‌های و صفات کارآفرینی از قبیل نوآوری، ریسک‌پذیری، خلاقیت و... باشد با توجه به این که عرصه‌های گسترده‌تری در این دایره مفهومی قرار خواهند گرفت، در این شرایط واژه و اصطلاح کارآفرین دیگر توان پاسخگویی به این گستردگی را نخواهد داشت و با نارسایی‌های و خلأ مواجه خواهد شد. به عبارتی مفهوم کارآفرینی زنان، برخی از عرصه‌های نقش‌های جنسیتی زنان را در بر گرفته است اما تمامی مصادیق ارزش آفرینی زنان به‌ویژه آن‌هایی که خارج از گستره ارزش‌گذاری بازار رخ می‌دهند، از شمول تمامی اصطلاحات جاری فعلی خارج هستند؛ بنابراین تحقیق و مطالعه جدی در این زمینه ضروری خواهد بود.

ارائه مدل‌های سنجش و اندازه‌گیری نقش آفرینی زنان در توسعه

به جهت اینکه بحث مهم کارآفرینی زنان همچون بسیاری از بحث‌های مهم و اولویت‌دار در حد نگارش روی کاغذ باقی نماند و وارد فاز اجرایی و عملیاتی شود، نیاز است تا مدل‌های مفهومی و شاخص‌های چندبعدی متناسب با بازتعریف این مفهوم ارائه گردد. شاخص‌ها هم کارکرد پیشینی در اعمال حکمرانی دارند و هم کارکرد پسینی در پایش تغییرات و روندها آن‌ها. برای دستیابی به یک مدل مفهومی دقیق جهت سنجش کارآفرینی زنان به استخراج شاخص‌ها، مؤلفه‌ها و زیر مؤلفه نیاز است که در نتیجه سلسله‌ای از پژوهش‌ها و تحقیقات جدی به دست می‌آید. متأسفانه شاخص‌های لازم در حوزه کارآفرینی زنان در دنیا وجود ندارد.

بحث و نتیجه‌گیری

امروزه کشورها و سازمان‌های بین‌المللی به این نتیجه رسیده‌اند که بسط و تعمیق مشارکت زنان در فرایندها و فرصت‌های کارآفرینی تأثیر مثبت مستقیم در توسعه کشورها داشته است. از یک طرف موجبات توسعه اقتصادی و ایجاد فرصت‌های شغلی را فراهم می‌کند و از طرف دیگر می‌تواند سبب بهبود وضعیت اجتماعی، فرهنگی و بهداشتی زنان، خانواده آنان و موفقیت ایشان در سایر نقش‌ها و کارکردهای جنسیتی شود. نگاهی به تاریخ معاصر نشان می‌دهد زنان در زمانی کوتاه توانستند قابلیت‌ها و توانایی‌های خود را در زمینه‌های مختلف به ظهور برسانند و با ورود به عرصه کسب‌وکار، تحولاتی عظیم در توسعه اقتصادی کشورها ایجاد کنند. در حال حاضر نیمی از جمعیت ۲/۴ میلیارد نیروی کار در جهان را زنان تشکیل می‌دهند. اما بر اساس نتایج به‌دست‌آمده از تحقیقات دیده‌بان جهانی کارآفرینی، از هر ۱۰۰ نفر در جهان، تنها ۷ زن

کارآفرین می‌شوند (GEM, 2007:4). بنابراین هرچند حضور زنان در حوزه اشتغال، کسب و کار و نهایتاً رشد اقتصادی را نمی‌توان دست کم گرفت اما مشارکت ایشان در مقوله کارآفرینی بسیار کمتر از ظرفیت‌ها و ضرورت‌ها است. لذا مسئله مهم این است که هنوز زنان نتوانسته‌اند به جایگاه اصلی خود در توسعه دست‌یافته و نقش‌آفرینی و اثرگذاری واقعی خود را در توسعه اقتصادی و اجتماعی جوامع به‌ویژه در حوزه کارآفرینی ترسیم نمایند. تحلیلی انتقادی نشان می‌دهد یکی از دلایل کلیدی عدم موفقیت زنان در اثرگذاری مستقیم در توسعه، مسیری است که توسط تئوری‌ها و نظریات متعدد در طی سال‌های گذشته در زمینه کارآفرینی زنان ریل‌گذاری شده و متناسب با این نظریات، سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها رقم خورده و عملیاتی شده است. با مرور این نظریات و تحلیل تطبیقی آن‌ها می‌توان ادبیات را به دو بخش قبل و بعد دهه هفتاد میلادی تقسیم کرد. تا دهه ۱۹۷۰ در اکثر مطالعات و نظریه‌پردازی‌های حوزه کارآفرینی اغلب ردی از ملاحظات و رویکردهای جنسیتی نیست و کارآفرینی زنان و مردان همگن و بدون تفاوت و تمایز از هم فرض گرفته شده‌اند. بعد از این زمان نیز نظریاتی که در آن‌ها عامل جنسیت مهم می‌شود، در عمل و اجرا با نارسایی‌ها و خلأهای جدی مواجه شده است. به طوری که این نظریات مورد انتقادهای جدی اندیشمندان و فعالان حوزه زنان قرار می‌گیرند. از مهم‌ترین نمونه‌های این نارسایی‌ها می‌توان به نارسایی در شیوه‌های نظریه‌پردازی؛ نارسایی‌های ایجادشده در تضاد نقش‌ها برای زنان؛ نارسایی و نابرابری دسترسی به امکانات و فرصت‌ها؛ و نارسایی در بسترسازی اقتصادی و اجتماعی برای کارآفرینی زنان اشاره کرد. بر همین مبنا می‌توان گفت کارآفرینی یکی از عرصه‌های مهم ورود زنان به توسعه است که می‌تواند نقش‌آفرینی و اثرگذاری واقعی زنان در توسعه را به نمایش درآورد؛ اما برای تحقق این هدف مهم ملزوماتی همچون فهم صحیح از مفهوم کارآفرینی زنان، مراجعه به مبادی بنیادین جهت بازتعریف کارآفرینی زنان، ادبیات نظری دقیق و متناسب با ویژگی‌های جنسیتی زنان، مدل‌های مفهومی واقع‌گرایانه و مسئله محور در حوزه زنان، انجام گسترده مطالعات میان‌رشته‌ای، استفاده مناسب از رویکردهای تاریخی نگران، پرهیز از فرمالیسم و ادبیات انتزاعی فرازمان، ساماندهی نهضتی از مطالعات توسعه‌ای و تجربه نگاری و مورد پژوهی، و تولید سنجه‌ها و شاخص‌های اندازه‌گیری در پژوهش‌ها و مطالعات آتی، لازم و ضروری است و باید بیش از پیش مدنظر باشد.

منابع

- ◀ ازکیا، مصطفی، رشید احمدرش و حسین دانش مهر، (۱۳۹۲). توسعه و مناقشات پارادایمی جدید، جلد اول، تهران: انتشارات کیهان.
- ◀ الوانی، مهدی و مژگان ضرغامی فرد، (۱۳۸۰). «نقش زنان در توسعه»، تدبیر، ش ۱۱۳.
- ◀ باقری، معصومه، سیده منافضلی پور و علی موسوی نسب باقری، (۱۳۹۹). «بررسی رابطه‌ی ارزش‌های فرهنگی و روحیه‌ی کارآفرینی با توجه به نقش میانجی‌گر باورهای قالبی (مطالعه‌ی موردی: زنان کارآفرین استان خوزستان»، مطالعات راهبردی زنان، د ۲۳، ش ۹۰.
- ◀ تانگ، زمری، (۱۳۸۷). نقد و نظر: درآمدی جامع بر نظریه‌های فمینیستی، منیژه نجم عراقی، تهران: نی.
- ◀ توانایان فرد، حسن، (۱۳۵۹). تغییر نظام آموزشی و اقتصاد آموزش و پرورش، تهران: قسط.
- ◀ توکلی، احمد، (۱۳۸۰). بازار: دولت کامیابی‌ها و ناکامی‌ها، تهران: سمت.
- ◀ جواهری، فاطمه و سرور قضائی، (۱۳۸۳). موانع کارآفرینی زنان: بررسی تأثیر نابرابری جنسیتی بر کارآفرینی زنان در ایران، جامعه‌شناسی ایران، د ۵، ش ۲.
- ◀ چلبی، مسعود، (۱۳۷۵). جامعه‌شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظم اجتماعی، تهران: نشانی.
- ◀ ریتزر، جورج، (۱۳۷۴). نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- ◀ روشن نیا، داوود، رقیه خادمی شهریور و سعید قوتی (۱۳۹۴). چالش‌ها و موانع کارآفرینی زنان، ماهنامه اجتماعی، اقتصادی، علمی و فرهنگی کار و جامعه، شماره ۱۸۸.
- ◀ شرابی، هشام، (۱۳۹۵). پدرسالاری جدید (نظریه‌ای درباره تغییرات تحریف‌شده در جامعه عرب)، ترجمه احمد موثقی، تهران: کویر.
- ◀ فلاح، محمدرضا و رها پاشایی نیا، (۱۳۹۹). «زنان کارآفرین و ورود موفقیت‌آمیز به حوزه کارآفرینی اجتماعی: ارائه‌ی یک مدل نظری»، مطالعات راهبردی زنان، د ۲۳، ش ۹۰.
- ◀ گلرد، پروانه، (۱۳۸۷). بهره‌وری زنان کارآفرین ایرانی، پژوهشنامه بازرگانی، ش ۴۶.
- ◀ مقیمی، سید محمد، (۱۳۸۱). کارآفرینی و عوامل محیطی مؤثر بر آن تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- ◀ ملکی، امیر، (۱۳۸۴). نگرش جوانان نسبت به مشارکت زنان در سطح برگزیدگان سیاسی، علوم اجتماعی، ش ۲۵.
- ◀ نوروزی. م، سریع‌القلم. ن (۱۳۸۸). کارآفرینی دانشگاهی: شناسایی موانع کارآفرینی دانشگاهی و راهکارهای تقویت آن، اولین کنفرانس مدیریت اجرایی، تهران.
- Ahl, H. (2006). Why research on women entrepreneurs needs new directions: *Entrepreneurship Theory and Practice*, 30(5), 595–621.

- Alvarez, S.A. & Barney, J.B. (2010). Entrepreneurship and epistemology: The philosophical underpinnings of the study of entrepreneurial opportunities. *The Academy of Management Annals*, 4.
- Barone-Chapman, Maryann (2014). Gender Legacies of Jung and Freud as Epistemology in Emergent Feminist Research on Late Motherhood." *Behavioral Sciences*, vol. 4.
- BCG (2014). Bridging the Entrepreneurship Gender Gap— The Power of Networks.
- Beneria, Lourdes (2003), 'Economic rationality and globalization: a feminist perspective', in M.A. Ferber and J.A. Nelson (eds), *Feminist Economics Today: Beyond Economic Man*, Chicago, IL: University of Chicago Press,
- Bilton, Tony. Et al (1997). *Introductory Sociology*, United States of America: MacMillan Reference.
- Blau, Francine D. and Lawrence M. Kahn (2017). The Gender Wage Gap: Extent, Trends, and Explanations. *Journal of Economic Literature*, vol. 55, no. 3, 2017.
- Brush, C.G (1992). Research on women business owners: past trends, a new perspective and future directions, *Entrepreneurship: Theory and Practice* 164).
- Chechurina, M & Yelliene PPa, H (2002). Women's Entrepreneurship Development in the Murmansk Region, Presentation of the International Conference April.
- Djivire, J (2006). Female Entrepreneurs of the North: Breaking Ground, Current Research Issue in Small Business Development Comm 6926 EA.
- Fisher, B. Anderson, S, Bryant, J, Margolese, R. G. Deutsch, M. Fisher, E. R. & Wolmark, N. (2002). Twenty-year follow-up of a randomized trial comparing total mastectomy, lumpectomy, and lumpectomy plus irradiation for the treatment of invasive breast cancer. *New England Journal of Medicine*, 347(16).
- Folbre Nancy, (1994). *Who Pays for the Kids? Gender and the Structures of Constraints*, London: Routledge.
- Global Entrepreneurship Monitor (2007). *Global Entrepreneurship Monitor Special Report Women Entrepreneurs*.

- ▶ Goyal, P. & Yadav, V. (2014). To be or not to be a woman entrepreneur in a developing country. *Psychosociological Issues in Human Resource Management*, 2(2)
- ▶ Henry, C. Foss, L. & Ahl, H. (2016). Gender and entrepreneurship research: A review of methodological approaches. *International Small Business Journal*, 34(3).
- ▶ Humphreys, M. and J. McClung, (1981). Women entrepreneurs in Oklahoma. *Rev. Region. Econo. Bus.* 6(2).
- ▶ Ibrahim, G. & Galt, V. (2011). Explaining ethnic entrepreneurship: An evolutionary economics approach. *International Business Review*, 20(6).
- ▶ Karen D. Hughes, Jennifer E. Jennings, Candida Brush, Sara Carter, Friederike Welter (2012). *Extending Women's Entrepreneurship Research in New Directions*, Baylor University.
- ▶ Kent, D. Sexton, & K. H. Vesper (2009). *The encyclopedia of entrepreneurship*.
- ▶ Klasen, Stephan and Francesca Lamanna. (2009). "The Impact of Gender Inequality in Education and Employment on Economic Growth: New Evidence for a Panel of Countries." *Feminist Economics* 15(3).
- ▶ Klapper, L.F. & SC Parker (2011). Gender and the Business Environment for New Firm Creation, *The World Bank Research Observer*, 26(2).
- ▶ Kuada, John (2009) Gender, social networks and entrepreneurship in Ghana. *Journal of African Business* 10(1).
- ▶ Kumari Amrita Tripathi, Saumya Singh, (2018). Analysis of barriers to women entrepreneurship through ISM and MICMAC: A case of Indian MSMEs", *Journal of Enterprising Communities: People and Places in the Global Economy*.
- ▶ Lei Zhu, Orhan Kara, Xiaowei Zhu (2018). A comparative study of women entrepreneurship in transitional economies: The case of China and Vietnam", *Journal of Entrepreneurship in Emerging Economies*.
- ▶ Loveline, A. A. Uchenna, O. I. & Karubi, N. P. (2014). Women entrepreneurship in Malaysia: An empirical assessment of the challenges faced by micro and small business owners in.

- Mahadea, Darma (2001) Similarities and Differences Between Male and Female Entrepreneurial Attributes in Manufacturing Firms in the Informal Sector in the Transkie, Development Southern Africa Vol 18, No2.
- Maina, W. (2015). Factors influencing performance of women owned micro and small enterprises in Kikuyu sub county, Kiambu county Kenya (Doctoral dis-sertation). University of Nairobi.
- Malaya M, F. (2006). A Gender-based Analysis of Performance of Small and Medium Printing Firms in Metro Manila
- MeenuMaheshwari, Ms. PriyaSodani (2015). Women Entrepreneurship-A Literature Review, IOSR Journal of Business and Management (IOSR-JBM) e-ISSN: 2278-487X, p-ISSN: 2319-7668. Volume 17, Issue 2.Ver.
- McClelland, D.C. Richard, M.S. Spencer Jr. M.L. and Jose, S. (1987). The Identification and Assessment of Competencies and Other Personal Characteristics of Entrepreneurs in Developing Countries. The United States Agency for International Development, Washington DC.
- Budig(2004). Feminism and the Family... The Blackwell Companion to the Sociology of Families. Edited by Jacqueline Scott 'Judith Treas 'and Martin Richards.
- Moser, Caroline,1993, Gender Planning and Development. Theory, Practice and Training. New York: Routledge. p. 3.
- Norlock, Kathryn(2019). Feminist Ethics. *Standford Encyclopedia of Philosophy*, 27.
- OECD (2004). Promoting Enterproneurship And Inovative SMEs In A Global Economy: Towards A More Responsible And Inclusive Globalization. Istanbul, Turkey 3-5 June.
- On, Angela (٢٠١١). Women entrepreneurship in Romania, Lecturer, PhD, Petru Maior University of Tîrgu-Mureş, Faculty of Economics, Juridical and Administrative Sciences, Department of Management and Economy.
- Ortiz, C. Duque, Y. & Camargo, D. (2008). Una revisión a la investigación en emprendimiento femenino. Revista Facultad de Ciencias Económicas, Universidad Militar Nueva Granada, XVI, (1).

- ▶ Rajvanshi, A. (2017). Women entrepreneurs in India: Challenges and opportunities. *IOSR Journal of Humanities and Social Sciences*, 22(4).
- ▶ Saunders, Peter. (2002). *The Ends and Means of Welfare: Coping with Economic and Social Change in Australia*, Cambridge: Cambridge University Press.
- ▶ Srivastava, Kalpana, et al (2017). Misogyny, Feminism, and Sexual Harassment.” *Industrial Psychiatry Journal*, vol. 26, no. 2.
- ▶ Sadrul Huda, S.S.M. M. Sayeed Alam and M. Yunus Khan (2009). A Comparative Study of Women Entrepreneurs in Formal and Informal Economy: A Study of Dhaka City, *Asian Journal of Business Management*.
- ▶ Van Veizen, SZ, (1994). “Het Huishouden: Harmonieus Huisgezin of Arena?” in H. Maussen van den Brink and K. Tijdens (1994) editors, *Emancipatie en Economie*, Amsterdam.
- ▶ Vesper, Karl H. (2009). *Entrepreneurial Academics-How Can We Tell When the Field is Getting Somewhere*, University of Illinois at Urbana-Champaign’s Academy for Entrepreneurial Leadership Historical Research Reference in Entrepreneurship.
- ▶ Welter, F (2006) *Women’s Entrepreneurship in Germany: Growth Oriented Women Entrepreneurs and their Business A Global Research*, The Diana Project.
- ▶ Wells, S, J (1998). *Womens Entrepreneurship: Developing Leadership for Success*, New York: Garland Publishin, Inc.
- ▶ Xie, X. & Lv, J. (2016). Social networks of female tech-entrepreneurs and new venture performance: the moderating effects of entrepreneurial alertness and gender discrimination. *International Entrepreneurship and Management Journal*, 12(4).
- ▶ Yadav, Vanita, Unni, Jeemol (2016). Women entrepreneurship: research reviewing and future directions, *Journal of Global Entrepreneurship Research*.